

# گوشه‌ای از تاریخ معاصر ایران

ماء موریت

آرنولد ویلسن (۱) در خوزستان

۱۹۱۴ - ۱۹۰۷

دوره‌های مختلف تاریخ ایران، بخصوص تاریخ معاصر، حاکی از نفوذ و دخالت بیگانگان در این مرزوبوم است. هجوم بیگانگان، هرگاه بنا بر مقتضیات سیاست جهانی، منحصر به قدرتی خاص می‌گردید. ورود خارجیان به ایران اگرچه ریشه سیاسی - اقتصادی عمیق‌تری دارد، اما در دهه‌های اولیه قرن بیستم میلادی که تغییر قدرت در سطح جهانی

---

(۱) آرنولد ویلسن Arnold Talbot Wilson (۱۸۸۴-۱۹۴۱) در نوزده سالگی وارد ارتش بریتانیا در هندوستان شد و سپس به وزارت خارجه منتقل گردید. وی در سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ را در ایران بسربرد و پس از آن تا ۱۹۲۰ در بین‌النهرین خدمت کرد و ۱۹۲۱ نیز از مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران بود. در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۴۱ به‌عنوان یکی از اعضاء حزب محافظه‌کار، نماینده مجلس عوام بریتانیا گردید. در آغاز جنگ جهانی اول، جزء افسران نیروی هوایی بریتانیا بود و به‌هنگام حمله به خاک آلمان در جنگ کشته شد. این مقاله با استناد بر یادداشت‌های شخصی ویلسن، Wilson: South-West Persia, Letters and Diaries of a Young Political Officer, 1907-14, Oxford 1941.

تهیه شده است که بعدها در ایران نیز با عنوان "سفرنامه ویلسن" یا "تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران" ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران، وحید، ۱۳۴۷، منتشر گردید. برخی از آثار ویلسن عبارتند از:

Wilson, A.T.: The Persian Gulf, Oxford 1928.

————— Some travellers in Persia and the Persian Gulf, J. Cent. Assian Soc. 12, 1925, 68-82.

————— Early Spanish and Portuges travellers in Persia, Assiatic Rev. 22-23, 1926, 641-656, 129-144.

————— Notes on a journey from Bandar Abbas to Shiraz, G. J XXXI.

————— A Biography of Persia, London 1930.

انجام می‌گیرد، از اهمیتی خاص برخوردار است. در اوایل قرن بیستم، ایران میدان تاخت و تاز سیاسی دولت‌های روس و انگلیس بود که سرانجام منجر به انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی و تقسیم ایران به دو منطقه نفوذی روس و انگلیس گردید. برای حفظ این مناطق نفوذی، هر دو دولت بسیاری از مأموران خود را به ایران گسیل داشتند و جای تعجبی نیست که اگر ویلسن به دنبال دستورانتلجنت سرویس<sup>(۱)</sup> در همین ایام قدم به خاک ایران، آن هم خوزستان یعنی حساس‌ترین منطقه نفوذی انگلستان گذارد که نتیجه چنین سفرهائی، استعمار سیاسی و اقتصادی ایران، در دهه‌های بعد را بدنبال داشت.

سفر اول ویلسن به ایران در ۱۹۰۷ انجام گرفت که از طریق ایران برای گذراندن تعطیلات خود به انگلستان می‌رفت. مسیر ویلسن بندرعباس، لار، شیراز، اصفهان، تهران، رشت، دریای خزر، بادکوبه، ورشو، برلین و لندن بود. میزبان و مصاحب وی در شیراز حرج گراهام G. Graham کنسول انگلیس و در تهران گارت Gartt کنسول یار و اسپرینگ - رابرس Spring Rice وزیر مختار بریتانیا در تهران بود. وی پس از گذراندن تعطیلات سه‌ماهه خود به هندوستان بازگشت. در نوامبر ۱۹۰۷ ویلسن به فرماندهی بیست نفر از گروه هیجده‌م نیزه‌داران بنگال "از طریق کراچی وارد محمره (خرمشهر) شد. هدف اصلی سفر وی حفاظت از کشاورزان و کارشناسان کانادائی و انگلیسی نفت در خوزستان بود. هیت حواری از جانب کمیانی دادرسی که بموجب قرارداد ۱۹۰۱ حق اکتشاف نفت را بدست آورده بود، به سرپرستی رینولدز G.B. Reynolds کار خود را در نواحی شرق شوشتر در دامنه‌های کوه‌های جنوب غربی ایران آغاز کرده بود.

در آن زمان بریتانیا و حکومت هندوستان پس از این که کمیانی هند شرقی در ۱۷۷۸ راهی به آب‌ای خلیج فارس یافت و آنجا را تحت نفوذ اقتصادی - سیاسی قرارداد، کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های متعددی در نواحی نفوذی خود در جنوب ایران دایر کرده بود.

نخستین نماینده بریتانیا در محمره<sup>(۲)</sup> (با سمت نایب کنسول) مک داول William Mc Douall بود<sup>(۳)</sup>. انگلیسی‌ها از جهت نزدیکی محمره به دیگر مناطق نفوذی آنان در بین‌النهرین، از دیرباز علاقه خاصی نسبت به این بندر نشان می‌دادند و این بندر را از قدیم‌الایام بخوبی می‌شناختند. در سال ۱۸۵۶ (در دوره سلطنت ناصرالدین شاه) بهنگامی که دولت ایران در اکتبر ۱۸۵۶ هرات را به تصرف خود آورد،

(۱) نگاه کنید به: سفرنامه ویلسن، ص ۱۵.

(۲) کنسولگری بریتانیا در محمره در آن زمان وابسته به کنسولگری اهواز بود.

(۳) مک داول در ۱۹۱۷ خدمات سیاسی را ترک گفت و به استخدام شرکت نفت انگلیس

در اهواز درآمد. وی در ۱۹۲۴ در کرمانشاه درگذشت.

نیروهای مسلح انگلیسی - هندی با تجهیزات کامل عازم آبهای جنوب غربی شدند. انگلیسی‌ها در دسامبر ۱۸۵۶ جزیره خارک را بدون هیچ مقاومتی تصرف کردند و بدنبال آن ریشهر و بوشهر و در فوریه ۱۸۵۷ برازجان و سرانجام محمره و اهواز نیز مورد حمله آنها قرار گرفت. اگرچه در پی عهدنامه‌ای، ایران از ادعای مالکیت هرات صرف‌نظر کرد<sup>(۱)</sup> و بهانه حمله به سواحل خلیج فارس از بین رفته بود، اما قوای انگلیس تا سالهای بعد از آن در آبهای خلیج فارس باقی ماند. (۲) حفاری چاه‌های نفت در خوزستان با وجود عشایر و خوانین بختیاری، لرستان و خوزستان به سرعت پیش نمی‌رفت، به خصوص به علت وقایع بعد از مشروطیت، ناآرامی‌هایی در میان عشایر بختیاری وجود داشت. انگلیسی‌ها مجبور شدند با پرداخت پول و انعقاد قرارداد (شرکت نفت بختیاری) با بختیاری‌ها، چاه‌ها و لوله‌های نفت خوزستان را حفاظت کنند. از جانب دیگر شیخ خزعل، بخش بزرگی از خوزستان را که به عربستان ایران مشهور بود، تحت سلطه خویش داشت و ادامه کار انگلیسی‌ها در آن ناحیه، بدون جلب نظر وی امکان‌پذیر نبود. به همین علت پرسنل کاکس Percy Cox<sup>(۳)</sup>، نماینده سیاسی مقیم<sup>(۴)</sup> با شیخ خزعل وارد مذاکره شد و پس از جلب نظر وی و انعقاد پیمان نامه‌ای<sup>(۵)</sup>،

- 
- (۱) برای آگاهی بیشتر از قرارداد صلح پاریس در ۴ مارس ۱۸۵۷ نگاه کنید به: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، سیمرغ، ۱۳۵۵، ص ۲۶۳ و بعد.
- (۲) نظر به اهمیت این مناطق برای بریتانیا، از سال ۱۸۷۸ رسماً، نماینده‌ای به نام "سرکنسول بریتانیا در فارس و سواحل و جزایر متعلق به ایران" تعیین شد که ۱۸۹۰، خوزستان و لرستان نیز بدان اضافه گردید. در آن زمان بریتانیا در بسیاری از جزایر ایران مانند قشم، باسعید و هنگام، تأسیسات و پایگاه‌های دریایی دایر کرده بود. جزیره هنگام تا ۱۹۳۵ پایگاه نیروی دریایی بریتانیا در خلیج فارس بود.
- (۳) کاکس به زبان عربی تسلط داشت و علاوه بر آن به منطقه خوزستان آشنائی کامل داشت. کاکس عاقد قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس شد. برای آگاهی از متن قرارداد رجوع کنید به: م. ع. منشورگرگانی: سیاست دولت شوروی در ایران، تهران، مظاهری، ۱۳۲۶، ص ۱۳.
- ۴ - فرستادگان کمپانی هند شرقی که توسط حکومت هندوستان به ایران سفر می‌کردند، عنوان "نماینده مقیم" را داشتند. بانفوذ و گسترش تدریجی کمپانی هند شرقی در سواحل خلیج فارس، اهمیت "نماینده مقیم" بیشتر شد تا سرانجام این منصب عنوان "نماینده سیاسی مقیم" بخود گرفت. مقرر "نماینده مقیم" در ۱۹۶۴ به بحرین منتقل گردید.
- (۵) کاکس از جانب دولت بریتانیا متقابلاً "منافع و حمایت از شیخ خزعل را تضمین کرد، اما خزعل در ۱۹۳۶ عملاً "در اسارت پهلوی اول درگذشت و دولت انگلستان از وی حمایتی بعمل نیاورد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: دنیس، رایت: انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه: ل - خنجی، تهران، امیرکبیر، ص ۸۹ و بعد.

دولت بریتانیا به شیخ خزعل نشان "والا ترین درجه فرماندهی امپراطوری هندوستان" را اعطاء کرد (۱۹۱۵) و بدین سان منافع اقتصادی و سیاسی بریتانیا در خوزستان تضمین گردید. ویلسن تحت نظارت سروان دیوید لاریمر David L.R. Lorimer کنسولیاری انگلیس در اهواز<sup>(۱)</sup> از محرمه به اهواز و سپس به ناحیه ماماتین، شمال رامهرمز، منطقه حفاری کارشناسان نفت و مسجد سلیمان سفر کرد. حفاریات مسجد سلیمان برخلاف ناحیه ماماتین با موفقیت همراه بود. وزارت امور خارجه انگلیس با آگاهی از ذخائر نفتی در خوزستان، عده‌ای سرباز را از هندوستان به خوزستان فرستاد زیرا که استخراج و بهره‌برداری نفت در منطقه ایلات و عشایر ایران بی‌مخاطره نبود.

ویلسن ما موریت اصلی خود را که حفاظت از تأسیسات حفاری و استخراج نفت بود، بخوبی انجام می‌داد اما در خلال آن ویلسن دو کار مهم دیگر نیز انجام داد: یکم نقشه‌برداری از نواحی دزفول، رامهرمز، اهواز و بالاخره اطراف رودخانه کارون بود که بعدها در جاده‌سازی و احداث خط آهن ایران مؤثر واقع گردید<sup>(۲)</sup> و دوم تهیه اسامی و اعلام جغرافیائی جنوب غربی ایران است که بعدها در مؤسسه جغرافیائی بریتانیا در هفت جلد بچاپ رسیده است.

تا سال ۱۹۱۱ که شرکت نفت انگلیس و ایران که بهره‌برداری از کار خود را رسماً آغاز نکرده بود<sup>(۳)</sup>، تسهیلات زیادی در امور رفاهی هیئت حفاری بچشم می‌خورد و حتی برای حمل و وسایل حفاری، شرکت برادران لینچ<sup>(۴)</sup>، تعداد ۹۰۵ قاطر در اختیار هیئت حفاری کداریه بود<sup>(۵)</sup>، عملیات حفاری تحت سرپرستی مهندس رینولدز انگلیسی انجام می‌گرفت

(۱) لاریمر بعدها با سمت نمایندگی عالی مقیم در بوشهر خدمت می‌کرد.

(۲) منطقه نقشه‌برداری شده به وسیله ویلسن، بعدها توسط گروه اکتشافی نیروی هوائی انگلستان تأیید و تکمیل گردید.

(۳) شرکت نفت انگلیس و ایران Anglo-Persian Oil Co. Ltd رسماً در آوریل ۱۹۰۹ تشکیل و در لندن به ثبت رسید.

(۴) برادران لینچ Lynch Brothers در سال ۱۹۰۲ امتیاز ساختن راه‌های خوزستان را از "بانک شاهنشاهی ایران" خریداری کردند و سال بعد نیز امتیاز حمل و نقل تحت عنوان "شرکت حمل و نقل ایران" را بدست آوردند.

(۵) این اولین بار نبود که انگلیسی‌ها به وجود نفت در ایران آگاهی می‌یافتند زیرا در ۱۸۸۰ نیز کارشناس و نقشه‌بردار انگلیسی به نام لفتوس W.K. Loftus بهنگام تجسس خود در نواحی لرستان و خوزستان پی به وجود نفت در ناحیه مسجد سلیمان برد. برای آگاهی

و به محض آن که حفاریات مسجد سلیمان به نفت رسید، رینولدز به ونزوئلا فرستاده شد و وی تا سال ۱۹۲۵ کشفیات منابع نفتی را در آن کشور ادامه داد. بهر حال عملیات نفت در مسجد سلیمان در ۲۶ مه ۱۹۰۸ میلادی / ۵ خرداد ۱۲۸۷ شمسی در عمق ۳۶۰ متر به نفت رسید. علاوه بر حفاظت تا سیاست نفتی، ویلسن آشنائی با خوانین و سران ایلات خوزستان را در پیش داشت و معمولاً به هنگام این دیدارها بود که با مناطق مختلف جغرافیائی و باستانی خوزستان آشنائی گردید. جمع آوری سکه های باستانی، ره آورد همین سفرها بود که اینک زینت بخش بسیاری از موزه های جهان است (۱) آشنائی با خوانین خوزستان و کهگیلویه و لرستان و جلب رضایت آنان، امنیت راه را بدنبال داشت که در نتیجه بازرگانان انگلیسی می توانستند کالای خود را به راحتی به دیگر مناطق ایران برسانند. دولت انگلستان از این آشنائی با سران ایلات و عشایر خوزستان و اطراف آن در جنگ جهانی اول و جنگهای بین النهرین نهایت استفاده را کرد.

در اوایل سال ۱۹۰۹ بعثت مسافرت لاریمر، کارهای اجرائی کنسولگری انگلیس در محمره و اهواز، عملاً "تحت نظر ویلسن انجام می گرفت، اما وی از کارهای نقشه برداری خویش غافل نماند. در ۱۹۰۹ که کارشناسان انگلیسی جزیره الخضرا (جزیره آبادان) را برای احداث پالایشگاهی مناسب دیدند، ویلسن بلافاصله تفحص خود را در این منطقه ادامه داد و مسیر خطوط لوله کشی نفت را تعیین کرد. (۲)

غیر از منابع نفتی، خوزستان اهمیت دیگری نیز برای دولت بریتانیا به همراه داشت. در سال های قبل از جنگ جهانی اول بریتانیا مناطق بین النهرین را تحت نفوذ خویش داشت، لذا گسترش سلطه سیاسی و اقتصادی بریتانیا بر خوزستان و اتصال آن با بین النهرین و در نتیجه اتصال با هندوستان، دیگر منطقه نفوذی بریتانیا، یکی از خط مشی های اصلی دولت بریتانیا بشمار می رفت.

پیرو این مشی سیاسی، در ۱۶ مه ۱۹۰۹ مهندسی انگلیسی به نام ویلیام ویلکاکس William Wilcocks که ریاست شرکت های بزرگ مقاطعه کاری را داشت، از بین النهرین عازم خوزستان (اهواز) شد تا طرحی برای آبیاری خوزستان تهیه کند. بدنبال این امر

(۱) "..... مقداری مسکوک مختلف که از حوالی اهواز پیدا کرده بودم به موزه گلکنه فرستادم و به موجب نامه ای که امروز رسیده، سکه های مزبور همگی قدیمی و مربوط به زمان پارتیان و سال ۱۸۰ قبل از میلاد بعد است." سفرنامه ویلسن، ص ۸۲.

(۲) لوله کشی نفت در تابستان ۱۹۱۰ بمعهده چارلز ریچی Ch. Richi و جیمسن Jamson گذارده شد.

تهیه نقشه رودخانه‌های حوالی اهواز مانند کرخه و دیگر نواحی دشت کارون به عهده ویلسن گذارده شد (۱). سفر ویلکاکس در زمستان همان سال نیز تجدید گردید و نقشه‌های تهیه شده ویلسن و همکارش استار Star مورد تأیید ویلکاکس قرار گرفت. بدنبال نقشه برداری کارون و کرخه، در سپتامبر بازدید دهانه‌های شعبات کارون در شمال شط العرب به خور موسی، به عهده ویلسن گذارده شد و از کوت الفرنکی و قبربی بی‌زبیده و کوت نهرهاشم (۲) و ناحیه بهم‌نشیر نقشه دقیقی تهیه شد که بعدها در جنگ جهانی اول توسط لشکر دوازدهم بریتانیا تحت فرماندهی ژنرال گورینگ Goring مورد استفاده قرار گرفت و موفق شد که ارتش ترک را شکست داده، مناطق کوت‌العماره (در بین‌النهرین) را فتح کند. تحقیقات ویلسن در احداث خط آهن سرتاسری ایران در آن ناحیه نیز مؤثر واقع گردید (۳).

نظریه خدمات ویلسن در خوزستان در اوایل سال ۱۹۱۰ وی از عضویت در ارتش انگلیس در هندوستان به وزارت خارجه بریتانیا منتقل گردید و پس از یک سال در ۷ مه ۱۹۱۱ به عنوان منشی مخصوص پرسی کاکس عازم بوشهر شد. نظریه این که بوشهر تقریباً "از سال ۱۷۸۹ مقرر نمایندگان دائم سیاسی بریتانیا در خلیج فارس بود و تا دوران کاکس، سی نماینده دائمی بخود دیده بود و مرکز عملیات آنان بشمار می‌رفت، از اهمیت خاص سیاسی و بازرگانی برخوردار می‌شد. خلیج فارس با وجودی که منطقه نفوذی انگلیس بود، اما دولت‌های دیگر نیز مانند آلمان سعی به گسترش روابط بازرگانی خویش می‌کردند، بطوری که موفق گردیده بودند که نه تنها خطوط کشتیرانی در خلیج فارس دایر نمایند بلکه چندین شرکت تجارتي نیز تأسیس کنند (۴). پیمان ۱۹۰۹ انگلیس و آلمان، اگرچه منطقه نفوذی هر دو کشور را

---

(۱) در ۱۹۰۷-۱۹۰۲ فان روگن Van Roggen هلندی، توانست امتیاز آبیاری دشت خوزستان را از دولت ایران کسب نماید، اما بهره‌برداری از این امتیاز با ایستادگی خزل مواجه شد. نگاه کنید به: ر. وادالا: خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه: شفیع جوادی، تهران، سحاب، ۱۳۵۶، ص ۶۰.

(۲) همگی واقع در اطراف خور موسی در جنوب خوزستان.

(۳) تحقیقات ناحیه خوزستان توسط ویلسن ظاهراً "از طرف اداره مطبوعات ستاد ارتش انگلیس در چهار جلد بچاپ رسید.

(۴) فعالیت بازرگانی آلمان در خلیج فارس از حدود سال‌های ۱۸۹۶ و ۱۸۹۸ آغاز شده بود و آلمان‌ها در بنادر لنگه، عباس، بوشهر، بحرین و بصره نمایندگی‌هایی تأسیس کرده بودند و در ۱۸۹۷ در بوشهر نیز ابتدا نایب کنسولگری و سپس کنسولگری دایر کردند، اما از سال‌های ۱۹۰۶ بعد فعالیت بازرگانی افزایش یافت تا جایی که پس از جنگ جهانی اول، تجارت ایران اختیار آلمان‌ها بود.

در منطقه ترکیه مشخص کرده بود و به موجب آن ناحیه بین‌النهرین منطقه نفوذی انگلیس باقی می‌ماند، اما دولت آلمان همواره سعی بر توسعه مناطق نفوذی خویش می‌کرد.

ویلسن پس از ورود به بوشهر، نظر به آگاهی قبلی که از نواحی خوزستان و مناطق اطراف آن داشت، ما مور تهیه نقشه جهت تعیین مسیر خط آهن ایران در خوزستان گردید.

مهم‌ترین علت موفقیت ویلسن در آن ناحیه، بخصوص که هر منطقه زیر سلطه قبیله و ایلی بشمار می‌رفت، آشنائی وی با رؤسا و شیوخ قبایل بود، بخصوص که ویلسن شیخ خزعل را بخوبی می‌شناخت و به همین جهت خزعل توصیه‌نامه‌های مختلفی به دیگر رؤسای قبایل برای ویلسن نوشت و وی را با این سفارش‌نامه‌ها روانه منطقه لرستان کرد. در این سفر ویلسن با والی پشتکوه، نظر علی خان، فاضل خان، الله‌کرم خان، حسن خان، سرتیپ خان، شیخ حیدر، سید نعمانه (سیف‌السادات)، سهراب خان و تنی چند که از خوانین سگوند، دیرکوند، بهاروند، قلاوند، الوار و دیگر قبایل خوزستان، لرستان، بختیاری و قشقایی بودند، ملاقات‌هایی بعمل آورد. (۱)

سفر ویلسن تنها با تهیه نقشه جهت احداث خطوط آهن در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران همراه نبود بلکه مطالعات وی در ایلات و عشایر ایران و اوضاع و احوال آنان از هر جهت مورد استفاده اعضا و ما موران انتلجنت سرویس قرار گرفت (۲). در پایان ما موریت ویلسن، استخراج و بهره‌برداری از چاه‌های مسجد سلیمان بنحو مطلوبی رسیده بود و ریچی و جیمسن کار بهره‌برداری را ادامه دادند و بزودی محل‌های نصب پمپ‌های بنزین در خوزستان نیز تعیین شد. مسلم است که موفقیت ما موران نفتی از جانبی در نتیجه مراقبت خوانین بختیاری بود و از سوی دیگر حفاظت شیخ خزعل و افرادی به پیشرفت کار استخراج و بهره‌برداری نفت کمک شایانی می‌کرد.

ما موریت ویلسن در ۶ آوریل ۱۹۱۲ پس از پنج سال خدمت در خوزستان به پایان رسید و وی می‌بایستی به هندوستان منتقل گردد اما بفاصله دو هفته (۱۸ آوریل) ویلسن

(۱) مسیر و محل نقشه برداری ویلسن به ترتیب عبارتند از: والی، قاجاریه، امینیه، یلدانی، جاجیش (جیجاش)، تل ریاش، شوش، سنجار، گوهر، قلاب طاق عوضی، قلعه رضا، چناره، تیراو، قفیل‌جه، پل تنگ، چیداو، والیمان، بادامک، چمشک، خرم‌آباد، بروجرد و بالاخره همدان، کرمانشاه و بغداد و مسیر دیگر وی جهت احداث خط آهن بوشهر - شیراز: بوشهر، سزآباد، مشیله، دارنشی، دلوار، تنگستان، خرموچ، شنبه، دزگاه (دزدگاه) پدری، برپهن، طاهری (سیراف)، جام، مکو، چاه‌پهن، کرده‌وگرمشت، پیدو، گردبیشه، حسن‌آباد، مدخن، جهرم، باب‌عرب، نصیرآباد، فسا، سروستان، مهارلو و شیراز.

(۲) نگاه کنید به گفته صریح ویلسن: سفرنامه ویلسن، ص ۲۳۷.

دستور بازگشت به خوزستان را دریافت نمود و مجدداً "به‌بوشهر و محمره مراجعت کرد". اکنون ویلسن به عضویت هیئت نمایندگی انگلیس درآمده بود.

در مراجعت به محمره، ویلسن فوراً نقشه برداری از ناحیه بین‌اهواز، عماره، بصره و هویزه را شروع کرد. در پایان ما موریتش دولت انگلیس از طریق حکومت هندوستان با ارسال فرمان "نشان دربار دهلی" از ویلسن تمجید بعمل آورد. بدنبال اتمام کار وی "سندیگای راه آهن ایران" تحت سرپرستی پیرسن Pierson ریل‌گذاری این منطقه از خلیج فارس تا بروجرد را تحت نظارت ویلسن آغاز کرد. امید می‌رفت که احداث خط آهن در این ناحیه باعث تقویت دولت مرکزی بخصوص در این حیطة گردد. لازم به یادآوری است که در مورد احداث خط آهن از ناحیه لرستان و خوزستان نیز نظر مساعد شیوخ قبایل و بخصوص شیخ خزعل مؤثر بوده است و ما موران انگلیسی پس از موافقت خزعل توانستند با شیوخ دیگر موافقت‌نامه‌هایی ردوبدل کنند.

ما موریت دیگری که برعهده ویلسن گذارده شد، همکاری با هیئت تحدید حدود مرزی ایران و ترکیه بود. در این ما موریت می‌بایستی از فو تا آرات علائم سرحدی نصب گردد. بهمین علت ویلسن پس از ملاقات با کارمندان وزارت خارجه در لندن و پس از تماس با مقامات انگلیسی و توقف در استانبول و ملاقات با کاردار و سفیر بریتانیا در ترکیه (جرج مارلینگ و لوئیزمالت)، عازم تهران شد و مذاکرات خود را با والتر تونلیسی Walter Tonnely وزیر مختار انگلیس نیز هماهنگ کرد. ویلسن پس از مذاکرات مقدماتی خود که با ما موران سفارت روس در تهران درباره خط مرزی آغاز کرد (۱)، عازم خوزستان گردید و در سرراه، همچون گذشته، همزمان با نقشه برداری و همکاری با هیئت سرحدی با یکایک رؤسای قبایل لرستان و خوزستان ملاقات کرد و نظر موافق آنان را جلب کرد و حتی قراردادها و موافقت‌نامه‌هایی نیز با هر کدام به امضاء رساند. بدین ترتیب هر یک از آنان تائید می‌کرد که کشیدن خط آهن از میان اراضی آنان بلا مانع است.

مسأله اختلاف مرزی ایران و ترکیه، اگرچه در طول تاریخ نقش مهمی را برای دولت ایفاء می‌کرد اما مطرح کردن آن در حقیقت در این مرحله از تاریخ، در وهله اول به حل مشکلات روسیه و انگلیس در آن نواحی کمک بسیار می‌کرد زیرا که روسیه تزاری نواحی نفوذی خویش را به تدریج در قرن نوزدهم گسترش داد و با ایران در ناحیه شمال غربی همسایه گردید. دولت انگلیس نیز نظر به اهمیتی که مسأله بین‌النهرین برایش داشت، بسیار مایل بود که

(۱) هیئت نمایندگی روسیه تحت نظر مینورسکی و هیئت نمایندگی انگلیس به ریاست راتیسلا

بود. از ترکیه شخص بابعالی موافقت خویش را با این امر نشان داده بود.



با تحدید حدود ایران، منطقه نفوذی خویش را مشخص کند تا بتواند با آرامش بیشتری به امور تجارتی خویش در این منطقه پردازد، بخصوص مسأله نفت که منطقه عظیمی از مرزهای غربی ایران در ناحیه خانقین تا خلیج فارس را در بر می‌گرفت و قرارداد داریسی به ظاهراً قسمتی از خاک عراق را نیز شامل می‌گشت. بر همین اساس قبل از آن که هیئت سرحدی به کار خود پردازد، دولت انگلیس از دولت ترکیه تعهد کتبی گرفته که امر مشکلات مرزی بر قرارداد داریسی بلا اثر باشد. امر مهم دیگر مسأله تعیین حدود هر دو کشور در شط العرب بود. بموجب معاهده ارزته‌الروم در ۱۸۴۷ مرز هر دو کشور در وسط شط العرب تعیین شده بود که بعدها نیز در برخی از نواحی، تغییر یافته بود و در نتیجه مالکیت بعضی از جزایر مورد سوءال قرار می‌گرفت و همچنین به مرور زمان کشتی‌هایی که به کارون می‌رسیدند می‌بایستی در آبهای ترکیه لنگر بیاورند (۱) و نظریه این که کشتی‌های عظیمی برای حمل نفت از پالایشگاه آبادان به زودی رهسپار این آب‌ها می‌گردید و نیاز به احداث لنگرگاه بزرگی برای این نوع کشتی‌ها بود، بالطبع می‌بایستی بحران مرزهای آبی ایران و ترکیه نیز حل شود. هیئت‌های هر سه کشور در زمستان ۱۹۱۳ در خوزستان دور هم گرد آمدند و ویلسن مأمور پذیرائی و خدمات آنان گردید و طولی نکشید که به نمایندگی از هر سه گروه، نقشه برداری و تعیین نقاط مرزی را به اتفاق مهندس انگلیسی ریدر Reader بعهده گرفت. در اواخر ژانویه ۱۹۱۴ اولین ستون‌های مرزی نصب گردید.

اواسط مارس مرز ایران و ترکیه در ناحیه لرستان نیز تعیین شده بود اما در ناحیه کردستان و کرمانشاهان، نظریه اهمیت آن مناطق از لحاظ نفت و این که آن نواحی جزء منطقه نفوذی روس‌ها بود، نقشه برداری در معیت قزاق‌های روسی ادامه یافت. همزمان با رسیدن هیئت سرحدی به ناحیه آذربایجان (چهارم اوت ۱۹۱۴) آتش جنگ جهانی اول شعله‌ور شد و مقامات انگلیسی برای این که هر چه زودتر کار هیئت سرحدی را خاتمه دهند، به ویلسن دستور دادند که با کلیه نظریات مینورسکی در مورد مناطق سرحدی موافقت کند، بدین سان آخرین نقشه‌های مرزی ایران و ترکیه در ۲۷ اکتبر ۱۹۱۴ در دامنه‌های آرات نزدیک با یزید با مضاء رسید. بدین ترتیب مأموریت ویلسن در خوزستان به پایان رسید و وی در ۲۹ اکتبر ۱۹۱۴ از طریق تفلیس، بادکوبه، مسکو و سن پترزبورگ در اواخر نوامبر وارد لندن شد و حکم مأموریت جدید خود را که زیر نظر پرسی کاکس در بین‌النهرین و در طول جنگ جهانی اول بود، دریافت داشت.

(۱) برای آگاهی از جزئیات مسائل مرزی نگاه کنید به: سفرنامه ویلسن، ص ۳۴۳

## منابع و مأخذ

- ۱- رایت، دنیس: انگلیسها در میان ایرانیان، ترجمه: ل، خنجی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹.
- ۲- منشورگرگانی، م. ع: سیاست دولت شوروی در ایران، تهران، مظاهری، ۱۳۲۶.
- ۳- مهدوی، عبدالرضاهوشنگ: تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، سیمرغ، ۱۳۵۵.
- ۴- وادالا، ر: خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه: شفیع جوادی، تهران، حساب، ۱۳۵۶.
- ۵- ویلسن، آ. ت: سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه: حسین سعادت نوری، تهران، وحید، ۱۳۴۷.

